

Currency Diplomacy: A Study of Chinese Policies in the International Monetary System

Davood Karimipour¹

DOI: [10.48308/piaj.2024.236544.1569](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.236544.1569) Received: 2024/8/8 Accepted: 2024/10/21

Original Article

Extended abstract

Introduction: Today, the issue of currency and international finance has become one of the most serious aspects of global power. Major powers, with the aim of expanding their global dominance, employ various strategies and mechanisms to transform their national currency into a global currency. This highlights the importance of understanding currency diplomacy, which encompasses efforts to internationalize a national currency and neutralize financial coercion from other countries. This article has studied China's experience in foreign exchange diplomacy. The general researchers of international politics have a relatively vague understanding of monetary and currency processes in international relations, so the main goal of the article is to discover the financial policy of international powers with a focus on China as an emerging global financial power. The central question of this paper is: what mechanisms does currency diplomacy use to expand the international financial power of countries?

Methods: This article employs an explanatory approach in terms of its methodological framework. Specifically, it seeks to understand the nature of financial mechanisms within international power relations through a detailed, explanatory lens. The data used in this study is qualitative, and the research employs a case study analysis method grounded in documentary analysis. In a case study approach, the researcher strives to thoroughly and deeply comprehend the phenomenon under investigation. Accordingly, in this article, alongside a theoretical examination, the practical dynamics of currency diplomacy are closely analyzed and scrutinized.

Results and Discussion: A review of the theoretical and practical dynamics of currency diplomacy reveals that the monetary and currency nature of international power has

1. Assistant Professor of international Relations , Department of National Security, Iran National defence University, Tehran, Iran. Karimipour.d@chmail.ir



been a focus for governments, particularly the United States and Britain, since the 20th century. These two powers have had particularly successful experiences in expanding their financial power. The United States has been able to maintain its dominance over financial markets for more than half a century, largely through the use of foreign policy tools. Similarly, as a rising power, China has advanced its currency diplomacy through two main mechanisms: offshore hub creation and foreign direct investment within the Belt and Road Initiative. These efforts have not only achieved significant currency-related gains but have also substantially contributed to the development of China's political and geopolitical power. China simultaneously utilizes several key tools in its currency diplomacy aimed at challenging the hegemony of the U.S. dollar, which has driven dollar-dependent countries to adopt the yuan.

Conclusion: It appears that China may be able to claim a significant portion of the U.S. dollar's share in global markets in the near future. However, the expectation that global financial markets will witness a full transition from the dollar to the yuan seems unlikely. Additionally, it should be noted that the experiences of countries engaging in monetary and banking interactions with China indicate that China, like other powers, employs coercive tools in exchange for debt and investment. This trend could be a warning for countries such as Iran, which are seeking to reduce the influence of the dollar in their foreign transactions.

Keywords: Currency Diplomacy, International Financial Policy, China, Yuan.

Citation: Karimipour, Davood. 2024. Currency Diplomacy: A Study of Chinese Policies in the International Monetary System, Political and International Approaches, Autumn, Vol 16, No 3, PP 73-98.



دیپلماسی ارزی؛ مطالعه سیاست چین در نظام پولی بین‌المللی

داود کریمی پور^۱

DOI: [10.48308/pij.2024.236544.1569](https://doi.org/10.48308/pij.2024.236544.1569)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۳۰

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: مسئله ارز و مالیه بین‌الملل امروز به یکی از جدی‌ترین ابعاد قدرت جهانی تبدیل شده است. قدرت‌های بزرگ با هدف گسترش نفوذ جهانی، از سازوکارهای مختلفی برای تبدیل ارز ملی خود به ارز جهانی استفاده می‌کنند. این مهم شناخت دیپلماسی ارزی که مجموعه تلاش‌ها برای بین‌المللی‌سازی ارز و خنثی‌سازی و اداری‌سازی مالی دیگر کشورها است را ضروری می‌سازد. این مقاله تجربه چین در دیپلماسی ارزی را مورد مطالعه قرار داده است. عموم پژوهشگران سیاست بین‌الملل درک نسبتاً مهمی از فرایندهای پولی و ارزی در روابط بین‌الملل دارند، لذا هدف اصلی مقاله، فهم سیاست ارزی قدرت‌های بین‌المللی با تمرکز بر چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور مالی جهانی است. پرسش کلیدی مقاله این است که دیپلماسی ارزی چین چه سازوکارهایی را در نظام پولی بین‌المللی به کار گرفته است؟

روش‌ها: این مقاله اگرچه از نظر محتوا در چارچوب اقتصاد سیاسی بین‌المللی قرار می‌گیرد، اما از منظر سیاست بین‌الملل به دیپلماسی ارزی می‌پردازد. لذا داده‌های مقاله بیش از آنکه کمی باشند، کیفی هستند. از این حیث بررسی دیپلماسی ارزی چین از منظر اقتصاد بین‌الملل خود نیازمند پژوهشی مجزا با تکیه بر داده‌های کمی است. با توجه به مسأله تحقیق، روش تحقیق این مقاله، تبیینی است. همچنین از آنجا که هدف مقاله درک عمیق سیاست چین است، از روش مطالعه موردی^۲ استفاده می‌کند.

یافته‌ها: بررسی پویایی نظری و عملی دیپلماسی ارزی نشان می‌دهد که ماهیت پولی و ارزی قدرت بین‌الملل از سده بیستم مورد توجه دولت‌ها به‌ویژه آمریکا و بریتانیا بوده و این دو قدرت، بیش از پیش تجربه موفقی را در بسط قدرت مالی خود داشته‌اند. ایالات متحده در حالی توانسته بیش از نیم‌قرن سلطه خود را بر بازارهای مالی حفظ کند که کاملاً از ابزار سیاست خارجی بهره گرفته است. چین نیز در ادامه ظهور قدرت‌های جدید، دیپلماسی ارزی خود را متکی بر دو سازوکار هاب‌سازی فراساحلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ابتکار کمربند-راه پیش برده

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. karimipour.d@chmail.ir
2. Qualitative Case Study Method



که علاوه بر دستاوردهای چشمگیر ارزی، به توسعه قدرت سیاسی و ژئوپلیتیک آن کمک شایانی کرده است. چین هم‌زمان از چند ابزار کلیدی در دیپلماسی ارزی خود برای شکست هژمونی دلار استفاده می‌کند و کشورهای وابسته به دلار را به استفاده از یوآن سوق داده است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد چین در آینده نزدیک بتواند بخش مهمی از سهم دلار آمریکا در بازارهای جهانی را از آن خود کند. اما انتظار اینکه بازارهای مالی جهان شاهد گذار از دلار به یوآن باشد، بعید به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، باید خاطر نشان ساخت که تجربه دولتهایی که با چین وارد تعاملات پولی و بانکی شده‌اند، نشان می‌دهد که این کشور نیز کاملاً از ابزارهای قهرآمیز در ازاء بدهی و سرمایه‌گذاری استفاده می‌کند که این روند، می‌تواند برای کشورهای هم‌چون ایران که در جستجوی کاهش قدرت اثرگذاری دلار در مناسبات خارجی خود هستند هشداردهنده باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی ارزی، سیاست مالی بین‌المللی، چین، یوآن.

استناددهی: کریمی پور، داود. ۱۴۰۳. دیپلماسی ارزی؛ مطالعه سیاست چین در نظام پولی بین‌المللی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، پاییز، سال ۱۶، شماره ۳، ۹۸-۷۳.



۱. مقدمه

موضوع دیپلماسی ارزی، در ایران تاکنون مورد بررسی علمی قرار نگرفته یا چنانچه پژوهشی در این زمینه صورت گرفته، در دسترس عموم قرار ندارد. لذا ادبیاتی که بتواند چارچوب مشخصی از این مبحث علمی را ارائه دهد، به‌طور کامل وجود ندارد. در این راستا، مقاله پیش‌رو با هدف تبیین نظری و عملی دیپلماسی ارزی، می‌کوشد تا ضمن بهره‌گیری از ادبیات علمی، تجربه چین را در مقابله با سلطه سیاسی و اقتصادی دلار بر بازارهای جهانی به تصویر کشیده و اقداماتی که این کشور برای تقویت جهانی یوآن به کار گرفته است را با یافته‌های نظری تطبیق داده و بررسی کند. لذا مسئله اصلی این مقاله شناخت ماهیت، اصول و عملکرد دیپلماسی ارزی با استفاده از تجربه چین است. پرسش کلیدی آن است که دیپلماسی ارزی چیست و چین چه ابزارهایی را در این دیپلماسی در نظام پولی بین‌المللی به کار گرفته است؟

۲. پیشینه پژوهش

آثاری که در این رابطه منتشر شده‌اند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. پژوهش‌هایی که ناظر بر تحولات پولی در صحنه بین‌المللی هستند و به‌طور مستقیم مسئله دیپلماسی ارزی را هدف قرار نداده‌اند که عمده پژوهش‌های انجام شده از سوی محققان ایرانی در این دسته قرار می‌گیرند. از این جمله می‌توان به مقاله «بین‌المللی شدن یوآن و تأثیر آن بر روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با چین» به قلم حسن شاه بیگ اشاره کرد. وی در مقاله خود اقدامات چین برای گسترش جهانی یوآن را بررسی کرده و به‌نوعی دیپلماسی ارزی چین را بدون اشاره این مفهوم توضیح داده است. چارچوب مفهومی مقاله نیز اساساً متفاوت از مفهوم دیپلماسی ارزی است. میرترابی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «تأثیر خیزش چین بر نظم مالی بین‌المللی» معتقدند چین به دنبال تغییر نظام سرمایه‌داری نیست، بلکه با حضور در نهادهای مالی، درصدد مشارکت فعال است. این مقاله نیز غیرمستقیم و بدون ورود به مقوله دیپلماسی ارزی، تحولات مالی جهان را رصد کرده است.

دسته دوم آثاری هستند که در سطح بین‌المللی منتشر شده و عموماً لاتین هستند. در این دسته می‌توان آثار بسیار پرشماری یافت که از سویه‌های مختلف به تبیین دیپلماسی ارزی پرداخته‌اند. به‌طور نمونه برندن براون (۲۰۰۶) فصلی از کتاب خود با عنوان «چه چیزی جریان جهانی سرمایه را هدایت می‌کند» فصلی را به تبیین دیپلماسی ارزی اختصاص داده است. مطالعه این مقاله نشان می‌دهد رویکرد براون بیشتر تاریخی و ناظر بر نقش متفاوت دولت‌ها در این زمینه است. وی تلاش می‌کند تا نقش فرانسه، انگلیس و آمریکا را در این زمینه بازنمایی کند. خان (۲۰۲۳) در پژوهش خود تحت عنوان «دلارزدایی: نقش گسترش بریکس و جهان جنوب» به این نکته اشاره می‌کند که توسعه زیرساخت‌های مالی از جمله بانک توسعه آسیایی به‌خوبی می‌تواند فرایند دلارزدایی از نظام مالی و پولی جهان را هدایت کند.

دانگ شنگ (۲۰۲۰) در «اقتصاد و سیاست بین‌المللی‌سازی ارزی چین» معتقد است چین پس از بحران مالی ۲۰۰۸ استراتژی ارزی خود را تغییر داد و به این نتیجه رسید که باید به سمت جهانی‌سازی ارزی یوآن گام بردارد و تلاش کرده تا هژمونی دلار را تضعیف کند. هیمر و همکاران (۲۰۲۳) در «دیپلماسی تله-

بدهی چین: واقعیت یا افسانه» رویکرد چین در ابتکار کمربند-راه را تحلیل کرده و استدلال می‌کند که چین با ارایه وام‌های سنگین، کشورهای طرف قرارداد را وارد یک تله کرده و آنها را از نظر سیاسی تحت نفوذ خود قرار می‌دهد. ترینکوواس (۲۰۱۶) در «دیپلماسی یوآن: دشواری‌های چین برای نفوذ در امریکای لاتین» به این نکته اشاره می‌کند که اگرچه چین توانسته با ایجاد سوآپ ارزی، همکاری‌های مالی خود با کشورهای امریکای لاتین را توسعه دهد، اما با نفوذ امریکا و همچنین مقاومت‌های داخلی، نتوانسته این نفوذ اقتصادی را تبدیل به نفوذ سیاسی کند. شمار مقالاتی که در این زمینه منتشر شده، قابل توجه است، اما هرکدام به گوشه‌ای از دیپلماسی ارزی چین می‌پردازند و از این حیث مقاله حاضر با تلاش برای تبیین نظری و عملی دیپلماسی ارزی چین دارای نوآوری است.

۳. چارچوب نظری

در نتیجه وابستگی متقابل روزافزون اقتصادی و گسترش حیرت‌انگیز اقتصاد بین‌الملل و تأثیری که به‌طور مستقیم بر زندگی ملت‌ها برجای می‌گذارد، روابط بین‌الملل بیش‌ازپیش با امور مالی و پولی گره خورده است (strange, 1971: 215). از منظر ژئوپلیتیک، ارز بین‌المللی ابزاری در اختیار یک دولت است که می‌تواند با کمک آن در معادلات جهانی با حاصل جمع صفر، قدرت ملی خود را اعمال کند. لذا کوهن معتقد است، قدرت ارزی که برخاسته از اقتدار ارزی است می‌تواند یک دولت را در برابر هزینه‌های انطباق با ارزش‌های بین‌المللی مصون کند (Cohen, 2008: 2).

ریچارد کوپر معتقد است افزایش وابستگی متقابل اقتصادی میان کشورها دو دسته از تحولات را با خود به همراه دارد. یک دسته از تحولات، افزایش احتمال اثرگذاری مدیریت مالی یک دولت ملت بر شکنندگی و آسیب مدیریت مالی دولت-ملت دیگری است که در نهایت به منازعه می‌انجامد. تحول دیگر، آن است که کسب سود و بهره از گسترش اقتصاد بین‌الملل نیازمند وجود دولت‌هایی است که ترتیبات مالی و پولی پیچیده را سامان‌دهی کنند. لذا، مذاکراتی که میان این ترتیبات رخ می‌دهد و نتیجه این مناقشه‌های پولی به‌طور حتم بخش مهمی از سیاست بین‌الملل خواهد بود (Cooper, 1968: 273-79). لذا عمده پژوهشگران معتقدند، همان‌طور که معیارها و شاخص‌های اقتصادی در رشد جایگاه یک پول در عرصه بین‌الملل تأثیرگذار است، باید به ابعاد سیاسی و غیراقتصادی در رشد و قدرت‌یابی یک پول نیز پرداخت. با این ملاحظه، هنگامی که به تحلیل نظام مالی و پولی پرداخته می‌شود، بروز جنگ‌های جهانی و بین‌المللی نقطه آغاز تحول در نظام‌های پولی و مالی بوده است.

از این حیث پژوهشگران معتقدند عوامل سیاسی متعددی در رشد و جایگاه پول مؤثرند. به تعبیر دیگر، دولت‌ها در نتیجه برخی سیاست‌ها و اقدامات می‌توانند پول خود را در سطح جهانی گسترش دهند (Chey, 2012: 60). به‌طور مثال کوهن معتقدند هرچه دولت یا نهاد پشتیبان یک پول قوی‌تر باشد، گستره جغرافیایی استفاده از آن نیز بیشتر خواهد بود. در واقع در چنین شرایطی، کشورها اعتماد بیشتری نسبت به ارزش آتی پول داشته و سرمایه‌گذاری‌های خود را بر اساس آن انجام می‌دهند (Selmier, 2017: 2). به‌طور کلی سه عامل کلیدی در رشد و اعتبار پول در محیط جهانی نقش ایفا می‌کنند که عبارت‌اند از

اطمینان‌پذیری، نقدشوندگی و شبکه‌های تراکنشی. این سه عامل خود تحت تأثیر مجموعه‌ای از مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی قرار دارند.

الف) حجم بازار داخلی: مهم‌ترین معیار و پیش‌شرط در استراتژی بین‌المللی‌سازی ارز، برخورداری از بازار داخلی بزرگ است.

ب) کاربرد خارجی: اینکه سایر کشورها تا چه اندازه از این یک ارز استفاده می‌کنند، بخش مهمی از توانایی یک کشور برای جهانی‌سازی ارز است.

ج) بازارهای مالی: یکی دیگر از مهم‌ترین الزامات بین‌المللی‌سازی ارز، وجود بازارهای سرمایه عمیق و توسعه‌یافته در داخل کشور است.

د) ثبات ارز: ارز بین‌المللی نیازمند ثبات است. ارزیابی که دچار نوسان گسترده‌ای هستند، از توانایی لازم برای توسعه نفوذ جهانی برخوردار نبوده و لذا ثبات و نرخ تورم پایین از جمله الزامات و بایسته‌های تبدیل ارز جهانی هستند (Frankel, 2012: 333-335). این عوامل کلیدی در دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند جایگاه پول یک کشور در سیاست بین‌الملل را ارتقا دهند:

کانال غیرمستقیم: سیاست داخلی و ترتیبات نهادی به‌وسیله اثرگذاری بر میزان اعتماد به ارز می‌توانند بر روی کاربرد و میزان استفاده از یک ارز در عرصه خارجی اثر بگذارند. رهبری ارزی بین‌المللی نیازمند سیاست‌های پولی محافظه‌کارانه است. دولتی که تلاش می‌کند تا ارز خود را در سطح بین‌المللی گسترش دهد، باید بتواند سیاست‌های پولی خود را خارج از شعاع نهادهای سیاسی و اقتصادی داخلی پیش ببرند. به‌عنوان مثال دولت‌هایی که دارای دولت‌های محدود و یا چارچوب‌های قانونی محکم و معتبری هستند، از توانایی بیشتری برای پیشبرد بازارهای مالی برخوردارند (Helleiner, 2008: 355-356). وضعیتی که استرلینگ در قرن نوزدهم در داخل بریتانیا داشت، سبب شد تا این ارز در عرصه بین‌المللی نیز به کار گرفته شود. این ثبات مرهون سیاست‌های محافظه‌کارانه بانک انگلستان بود. در دوره کنونی نیز این سیاست را آمریکا با تقویت قدرت و بودجه دفاعی خویش دنبال می‌کند. در حقیقت یکی از دلایلی اصلی بودجه سرسام‌آور دفاعی آمریکا حفاظت از جایگاه دلار در مناسبات بین‌المللی است. افزایش بودجه دفاعی سبب افزایش اطمینان به جایگاه دلار در مناسبات مالی جهان شده و ایالات متحده از این نظر می‌تواند برتری دلار در مقایسه با دیگر ارزها را حفظ کند (Helleiner, 2008: 355-356).

کانال مستقیم: نقش دولت و عوامل سیاسی معمولاً در ارزیابی که محل مذاکرات سیاسی هستند، بسیار پررنگ است. در واقع در این کانال، باید میان ارزهای برتر جهانی و ارزیابی که دولت‌های متبوع تلاش می‌کنند تا آن را در تعاملات خارجی خود با سایر کشورها مطرح کنند، تفاوت قائل شد. معمولاً در ارزهای برتر، جذابیت اقتصادی و در ارزهای محل مذاکره، عوامل سیاسی از اثرگذاری بیشتری برخوردار هستند. باید توجه داشت که در ارزهای محل مذاکره، علاوه بر دولت متبوع، نقش دولت‌هایی که از یک ارز در سطح بین‌المللی حمایت می‌کنند، نیز بسیار جدی است (Helleiner, 2008: 360). لذا استرنج معتقد است، درحالی که اقتصاددانان اعتبار و ارزش ارز و پول‌های بین‌المللی را صرفاً یک‌جانبه بررسی می‌کنند، باید نگاهی ترکیبی و ممزوج از اقتصاد و سیاست به اعتبار پول در جهان داشت. وی تقسیم‌بندی

جدیدي را مبتني بر در نظر گرفتن عوامل سياسي و اقتصادي ارائه می‌دهد که طی آن می‌توان به وجود چند نوع پول بین‌المللی اشاره کرد

- پول برتر^۱
- پول مسلط^۲
- پول منفعل یا بی‌طرف^۳
- پول سياسي یا مذاکره شده^۴

هر کدام از این پول‌ها اگرچه کارکرد مشخصی دارند، اما این کارکردها انحصاری نیستند. به‌طور مثال، یک پول می‌تواند فقط یک نوع کارکرد یا دو یا سه کارکرد را به‌طور هم‌زمان دارا باشد. به‌طور نمونه، دلار پولی است که هر چهار کارکرد را در حال واحد دارا است. این در حالی است که پیامدهای سیاسی این نقش‌های متفاوت نمی‌تواند یکسان باشد. است رنج درحالی که شکل‌گیری این ارزها را متأثر از عوامل سياسي و اقتصادي معرفي می‌کند، با این حال می‌افزاید، از میان چهار پول بالا، پول مسلط کارویژه خاصی دارد چرا که علت اصلی و اولیه این نوع پول سياسي است. در حالی که سه نوع دیگر پول، از پایه اقتصادي متولد می‌شوند. در این نوع ارز، علت اصلی جایگاه مسلط و برتر دولت صادرکننده است که آن را به پول مسلط تبدیل می‌کند (Strange, 1971: 217).

در واقع رهیافت پولی به سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد که کشورهای بزرگ برای کسب قدرت سياسي برتر یا تقویت توان وادارسازی چگونه می‌کوشند تا ارز خود از کارکردهای خنثی یا سياسي به ارز مسلط یا حاکم تبدیل کنند. به عبارت دیگر، در سیاست بین‌الملل، کشورهای که دارای ارز حاکم یا مسلط هستند، می‌کوشند تا قدرت ارزی را به‌عنوان یک ابزار وادارسازی در امور بین‌المللی خود به کار بگیرند که نمونه بارز و خدشه‌ناپذیر را می‌توان ایالات متحده است. به‌طور مثال امریکا طی دوره ریاست جمهوری تافت که از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۳ بود، با تلاش برای تبدیل دلار به ارز مسلط جهانی، کوشید قدرت و نفوذ خود را به‌جای نیروی نظامی از طریق بانک‌ها و منافع ملی پیگیری کند.

تافت، با همین رویکرد، سیاست خارجی خود را در چارچوب دیپلماسی دلار معرفي کرد. طی این دوره، بانک‌های امریکایی توانستند با پرداخت وام‌های گسترده، نقش بسیار تأثیرگذاری در صنعت بین‌المللی وام ایفا کنند و پایه‌های قدرت مالی امروز امریکا را برجای بگذارند (Maddern, 2020: 2). جایگاه مسلط دلار در امریکا سبب شده تا بسیاری از کشورها با معیار قرار دادن آن در تعاملات مالی، به رونق اقتصادي این کشور کمک کنند. هنگامی که این کشورها مقادیر کافی دلار را به دست آوردند، از دلار امریکا برای خرید اوراق قرضه خزانه‌داری این کشور استفاده می‌کنند، بنابراین یک حلقه تولید-مصرف بین بازارهای مالی و ایالات متحده تشکیل می‌گردد (Cao, 2018: 41). این جایگاه مسلط دلار سبب شده ابزارهای وادارسازی و نفوذ سياسي و اقتصادي امریکا در سرتاسر جهان تثبیت شود.

1. Top
2. Master
3. Passive
4. Political

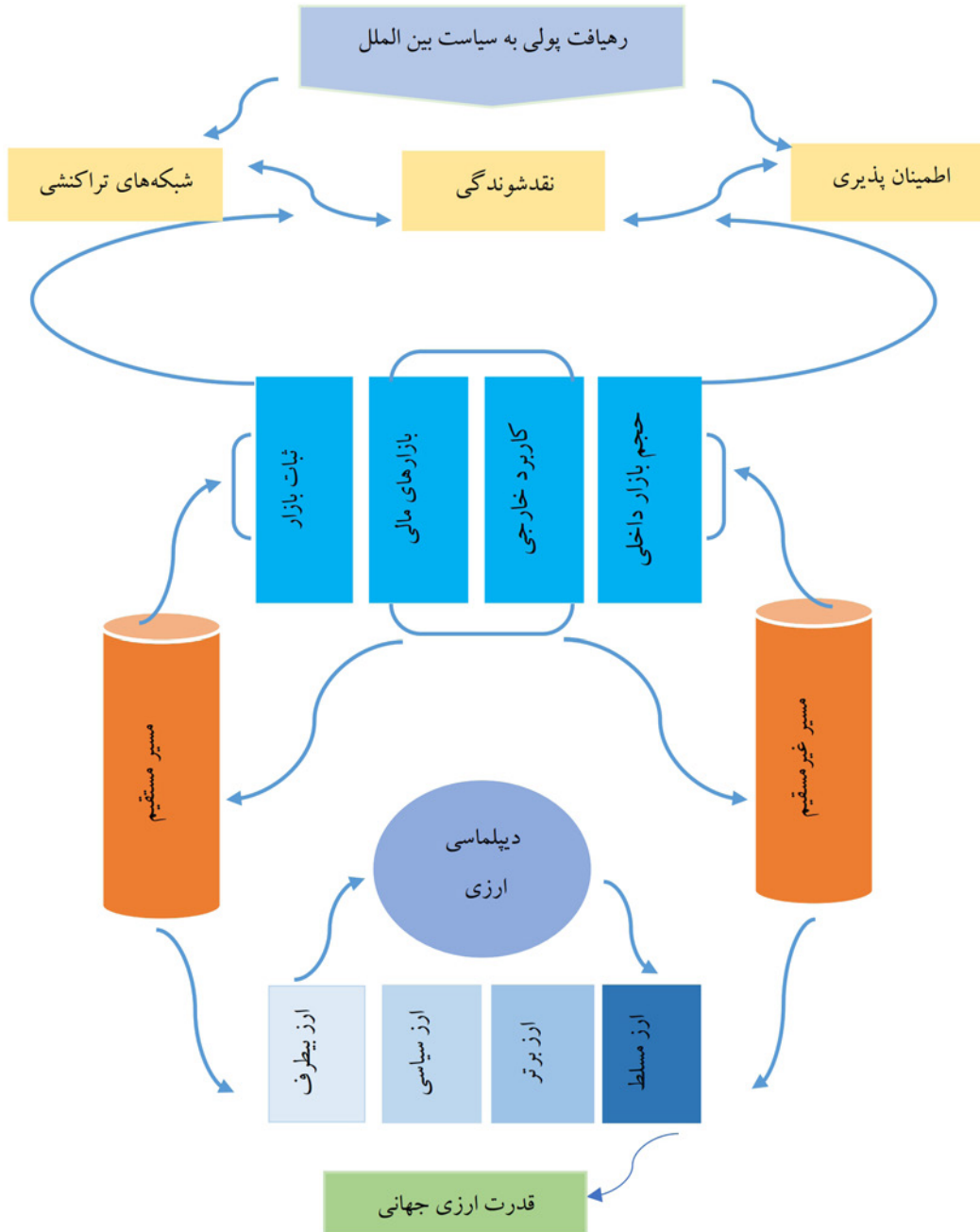
۴. دیپلماسی ارزی؛ پویایی نظری در سیاست مالی بین‌المللی

پول برای اینکه بتواند یک کشور را در سطح بین‌المللی به یک قدرت تبدیل کند، نیازمند اتخاذ یک دیپلماسی ارزی فعال و حساب‌شده است. دیپلماسی ارزی به معنای مدیریت کارآمد روابط مالی در سطح بین‌المللی است که دولت‌ها با تنظیم روابط خارجی و اخذ تصمیم، روابط پولی خود را هدایت می‌کنند. می‌توان به‌طور کلی خاطرنشان ساخت که دیپلماسی ارزی بخشی از دیپلماسی اقتصادی است که در مقایسه با دیگر مفاهیم، توسعه کمتری داشته است (Joudar, Dinar, 2022: 109). در دیپلماسی ارزی اگرچه وزارت خارجه جای خود را به بانک مرکزی می‌دهد اما هدف تغییری نمی‌کند و آن تأمین منافع ملی کشور با کمک ابزار پولی و بانکی است. همان‌طور که می‌توان در تعریف آن گفت دیپلماسی ارزی به معنای استفاده از ابزارهای پولی برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی یا استفاده از دیپلماسی برای نیل به اهداف پولی است (Jiang, 2014: 156).

سه موضوع عمده در دیپلماسی ارزی دنبال می‌شود. نخست انتخاب رژیم پولی که شامل رژیم مبادله ثابت یا رژیم مبادله متغیر یا بلوک پولی منطقه‌ای است. دومین موضوعی که در دیپلماسی ارزی مورد توجه قرار می‌گیرد، سطح نرخ مبادله است. سومین مسئله، موضع سیاست پولی در عرصه بین‌المللی است. این مسائل در دیپلماسی ارزی به سه شیوه دنبال می‌شود. دیپلماسی ارزی یک‌جانبه که شامل تصمیماتی است که یک دولت یا دیپلمات‌های پولی آن به دیگر کشورها تحمیل می‌کنند. دیپلماسی ارزی دوجانبه که یک دولت با دولت دیگر پیرامون سه موضوع اصلی مطرح‌شده در بالا مذاکره می‌کنند. سومین شیوه، دیپلماسی ارزی چندجانبه است که طی آن چند دولت از طریق مؤسسات بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول یا سازمان همکاری اقتصادی و توسعه یا ائتلافی از کشورها که به دنبال ترجیح سیاستی خاصی هستند، با یکدیگر مذاکره می‌کنند (Brown, 2006: 146).

دیپلماسی ارزی در واقع راهکار تبدیل یک ارز ملی به یک ارز مسلط بین‌المللی را دنبال می‌کند. در این زمینه یکی از مهم‌ترین اقدامات، تقویت توان صادراتی است. هرچه محصولات صادراتی یک کشور در صحنه بین‌المللی رقابتی‌تر باشند، بنگاه‌های اقتصادی آن از قدرت قیمت‌گذاری بالاتری برخوردار خواهند بود. به‌موازات تقویت توان صادرات، ارز یک کشور در ارزیابی و تسویه بین‌المللی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و در نتیجه بیش از پیش بین‌المللی شد. چرخه ثابتی از تبدیل یک ارز ملی به یک ارز بین‌المللی شامل تسویه با پول داخلی، قابلیت تبدیل کامل پول داخلی با ارزهای بین‌المللی، باز کردن حساب سرمایه و صادرات سرمایه. به‌بیان‌دیگر، اگر تجارت یک کشور مازاد حساب جاری و کسری حساب سرمایه را ثبت کند، مکانیسم بین‌المللی‌سازی ارز به تدریج فعال می‌شود (Cao, 2012: 68). در نمودار ذیل می‌توان شمای کلی دیپلماسی ارزی را مشاهده کرد:

نمودار ۱- چارچوب نظری تحقیق



منبع: نگارنده

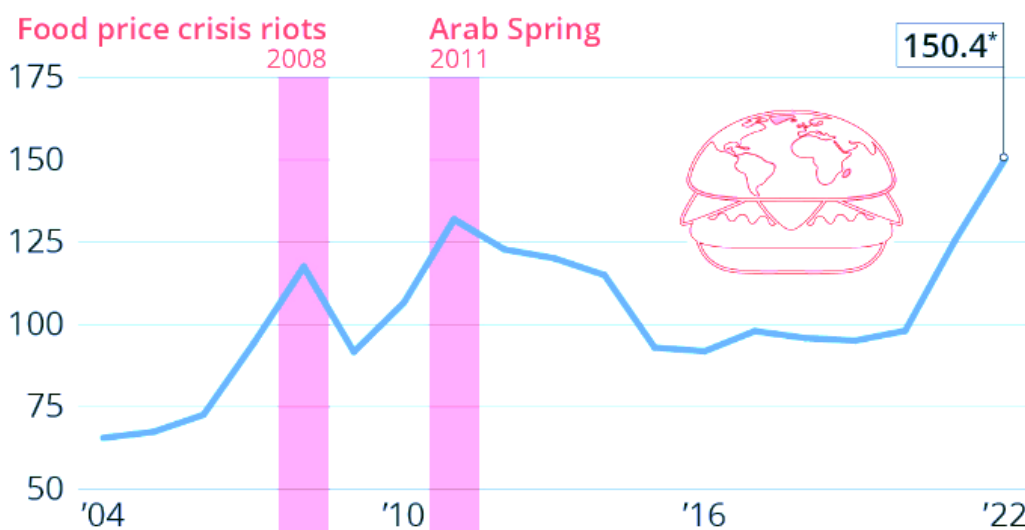
نمودار بالا در واقع ارتباط میان رهیافت پولی به سیاست بین الملل و استراتژی‌های ارزی کشورها را به نمایش می‌گذارد. در این نمودار می‌توان مشاهده کرد که سه رکن اطمینان‌پذیری، نقد شونده‌گی و شبکه‌های تراکنشی که ارکان اصلی رهیافت پولی به سیاست پولی هستند اثر مستقیم بر شاخص‌های قدرت ارزی یک کشور در نظام پولی بین المللی می‌گذارند. این شاخص‌ها از دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم

بر دیپلماسی ارزی تأثیر می‌گذارد. به میزانی که یک کشور بتواند دیپلماسی ارزی خود را با موفقیت به سرانجام برساند، می‌تواند یک ارز را از وضعیت بی‌طرف به ارز مسلط سوق دهد. این مهم در نهایت سبب می‌شود تا یک کشور بتواند به یک قدرت ارزی برتر تبدیل شود.

۵. دیپلماسی ارزی؛ پویایی‌ها در تجربه چین

نقطه آغاز دیپلماسی ارزی چین به بحران مالی سال ۲۰۰۸ باز می‌گردد. رهبران این کشور در نتیجه بروز بی‌عدالتی، مسئولیت‌ناپذیری و توزیع نامتقارن هزینه‌های این بحران در میان کشورها به این نتیجه رسیدند که باید استراتژی ارزی خود را تغییر داده و یوآن را بین‌المللی کنند. در واقع بیشترین آسیب در این بحران به کشورهای پیرامونی در بازارهای وارد شد که دچار تورم‌های بسیار شدید و به دنبال آن آشوب‌های اجتماعی بودند (Dongsheng, 2020: 58). نمونه بارز این کشورها مصر است که در سال ۲۰۰۸ با بحران اقتصادی سهمگینی مواجه شد که ریشه در چاپ بی‌سابقه دلار و سیاست نرخ بهره صفر فدرال رزرو بود. مصر ناچار بود برای جلوگیری از حذف بازارهای جهانی به سمت دریافت وام‌های کلان از آمریکا حرکت کند تا بتواند کالای ارزان‌قیمت صادر کند. با این حال صادرات کالاهای ارزان‌قیمت هم‌زمان با واردات با هزینه‌های هنگفت بود که در نتیجه به بحران‌های اقتصادی در مصر و دیگر کشورهای خاورمیانه منجر شد که سلسله بحران‌های سیاسی موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی را رقم زد. در نمودار ذیل می‌توان مشاهده کرد که چگونه دولت‌های عربی پس از بحران مالی ۲۰۰۸ ناچار به حفظ رقابت‌پذیری خود در بازارهای جهانی و در نتیجه واردات غذا با قیمت‌های بالا شدند که به بی‌ثباتی سیاسی منجر شد (Buch-holz, 2022).

نمودار ۲- صدور تورم در دیپلماسی ارزی آمریکا و خیزش بهار عربی در خاورمیانه



100 = average price 2014-2016

* Jan-May 2022

Source: FAO

در واقع دیپلماسی ارزی آمریکا رویکرد سلطه‌گرایانه‌ای به اقتصاد جهانی دارد. فدرال رزرو با سیاست تسهیل، کمی بالغ بر ۶۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد جهانی تزریق کرده، اما این مبلغ را وارد چرخه اقتصاد داخلی آمریکا نمی‌کند، بلکه از طریق سیاست‌هایی چون فرار سرمایه، سفته‌بازی ارز و به‌طور کلی استراتژی آربیتراژ نرخ بهره^۱، به تغییر نرخ مبادله دلار در برابر ارز دیگر کشورها اقدام می‌کند. با این ملاحظه، پژوهشگران معتقدند آمریکا در حال قربانی کردن سیستم مالی بین‌المللی است. فدرال رزرو به‌عنوان سکان‌دار دیپلماسی ارزی آمریکا با کمک وزارت خارجه در حال جرم‌زدایی از کلاه‌برداری مالی هستند که سبب شده این کشور بتواند همچنان تورم و بازارهای مالی داخلی خود را مدیریت کند (Hud-son, 2010: 1-4). در چین محیطی، چین در حال پیگیری دیپلماسی ارزی خود است.

۱.۵. هاب‌سازی فراسرزمینی

چین در اولین گام‌های تغییر استراتژی ارزی خود، رو به ایجاد یوآن فراسرزمینی آورد. این اقدام پکن در واقع با هدف نفوذ هرچه بیشتر در نظام مالی بین‌المللی و کاستن از قدرت ارزی ایالات متحده بود. چین به‌منظور تسهیل مبادلات ارزی خود، هاب‌های ارزی فراسرزمینی را در چند کشور از جمله سنگاپور و هنگ‌کنگ تقویت کرد که در این میان نقش هنگ‌کنگ نسبت به دیگر هاب‌های ارزی اهمیت بیشتری دارد. باید خاطر نشان ساخت که نقش روابط سیاسی و اقتصادی نقش کلیدی در انتخاب این هاب‌ها داشته است. در واقع چین با کمک ارتباطات سیاسی و نفوذی که در این دولت‌ها داشته، توانسته این هاب‌های فراسرزمینی را برای تقویت یوآن ایجاد کند.

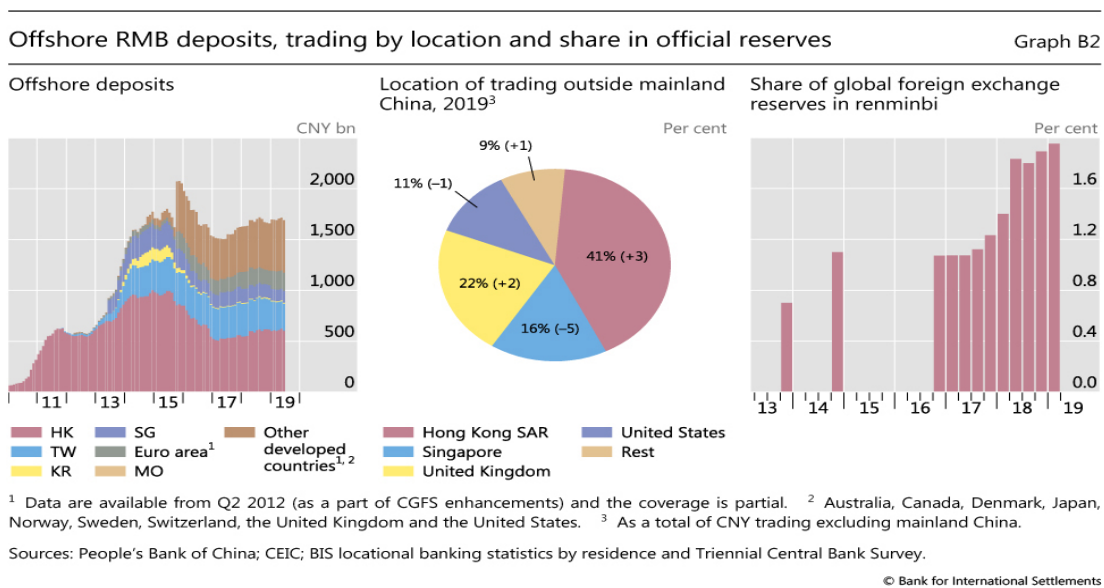
چین بدون ایجاد هاب‌های فراسرزمینی نمی‌توانست قدم در بازارهای بین‌المللی بگذارد. با توجه به اینکه هنوز از یوآن مقررات‌زدایی نشده بود، پکن بیم آن داشت که در صورت مقررات‌زدایی از حساب‌های مالی خود، دچار بحران‌های مالی آسیایی شود. لذا از یک‌سو، یوآن نمی‌توانست بدون حساب مالی وارد بازارهای شده و در تسویه حساب‌های تجاری به کار گرفته شود. از سوی دیگر به دلیل اینکه چین در بیش از یک دهه گذشته دارای زیرساخت‌های ضعیف‌تری نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بوده، بازارهای سرمایه و ابزارهای کنترل کلان اقتصادی نامطلوبی را تجربه کرده بود، لذا هرگونه گشایش و مقررات‌زدایی از حساب‌های سرمایه می‌توانست خطرآفرین باشد. در واقع یوآن این امکان را نداشت که ذیل حساب مالی که هنوز مقررات‌زدایی نشده، قابلیت تبدیل در بازارهای مالی بیاید، بدین منظور با ایجاد حساب سرمایه فاقد مقررات داخلی در هنگ‌کنگ توانست نقش بسیار برجسته‌ای در مبادلات مالی بین‌المللی بیابد. در واقع برخلاف دلار یا استرلینگ که با پذیرش نقدشوندگی و ایجاد حساب‌های سرمایه باز توانستند نقش خود را در بازارهای مالی بین‌المللی پیدا کنند، رهبران چین اساساً تمایلی به گسترش یوآن به بازارهای فراساحلی یا پذیرش نوعی نوسان در بازارهای مالی خود نداشتند (Huntsman, 2015: 20).

چین با اتخاذ یک دیپلماسی ارزی هوشمندانه ضمن اینکه از مقررات‌زدایی حساب سرمایه خود

جلوگیری کرد، توانست از طریق اتصال نظام نرخ مبادله هنگ کنگ با دلار آمریکا بیشترین بهره را برای افزایش قابلیت تبدیل پذیری خود در سطح بین‌المللی ببرد (Cao, 2018: 129-131). هنگ کنگ علاوه بر اینکه بخشی از چین است (البته با یک سیستم حقوقی و مالی مجزا)، موقعیت جغرافیایی و تخصص و ارتباطات بین‌المللی آن، میزبان یک زیرساخت تسویه ارز چندگانه است که نقش خود را به‌عنوان یکی از مراکز مالی بین‌المللی پیشرو در جهان تقویت می‌کند. در نتیجه، هنگ کنگ به‌عنوان یک منطقه اداری ویژه هنوز اکثریت سهمیه‌های سرمایه‌گذاری را دریافت می‌کند و اغلب محل انتخابی برای برنامه‌های آزمایشی است که در صورت موفقیت، به بقیه جهان صادر می‌شود. در حالی که نقش هنگ کنگ بسیار برتر از دیگر هاب‌های منطقه‌ای و جهانی است، اما در آسیا، دو مرکز سنگاپور و تایوان نیز نقش کلیدی را در تبدیل پذیری و ارتقای نقش یوان در معاملات بین‌المللی ایفا می‌کنند.

به‌طور مثال در سنگاپور، عمده دارندگان یوان از بخش دولتی یا شرکت‌های بین‌المللی هستند. این کنشگران در عین اینکه تجارت خود را در داخل چین دنبال می‌کنند، اما عملیات خزانه‌داری و منطقه‌ای خود را خارج از چین انجام می‌دهند. در خارج از آسیا نیز به‌طور مشخص لندن که بزرگ‌ترین مرکز نقدشوندگی بین‌المللی است، نیز سهم قابل توجهی از عملیات‌های تسویه‌های حساب‌های تجاری با یوان را بر عهده دارد. چینی‌ها توانستند ضمن تقویت نقدشوندگی و تبدیل پذیری یوان به دیگر ارزها، به ایجاد ذخایر فراساحلی یوان، بازار اوراق قرضه و دیگر مشتقات پیچیده مالی یوان را تقویت کنند (Huntsman, 2015: 20). در تصویر ذیل، می‌توان به هاب‌های فراساحلی چین و نقش آن‌ها در تقویت یوان پی برد.

نمودار ۳- ذخایر فراساحلی یوان، تجارت و سهم آن در ذخایر رسمی در سال ۲۰۱۹



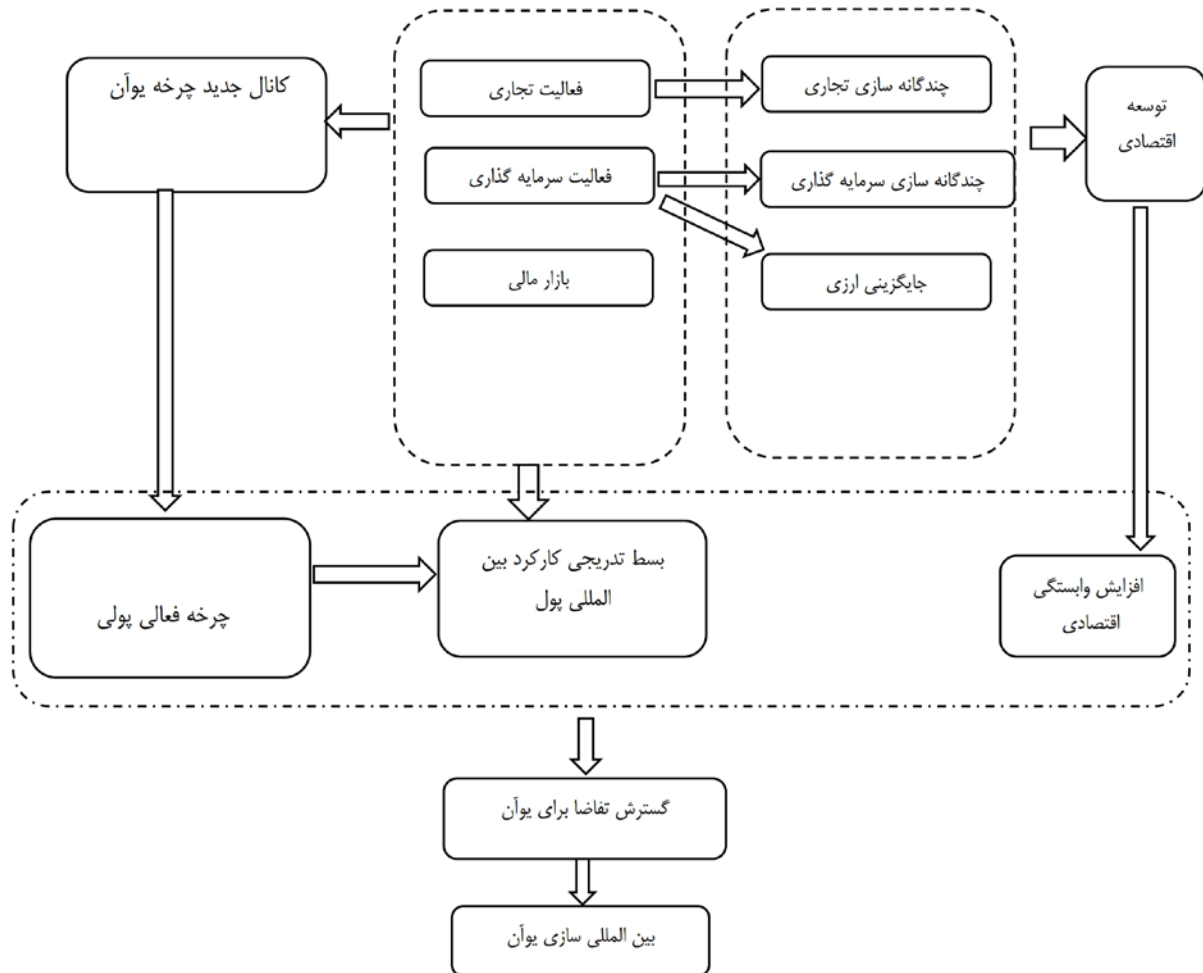
منبع: بانک مرکزی خلق چین، ۲۰۱۹

در تبیین این نمودار باید خاطرنشان ساخت که مهم‌ترین ابزار کلیدی در توسعه تخصیص یوان برای تجارت خارجی و همچنین افزایش حجم ذخایر خارجی یوان را تشکیل هاب‌های فراسرزمینی داشته‌اند که در نمودار، بخشی از آن‌ها مشاهده می‌شود (Schrimpf, Sushko, 2019: 36). علاوه بر استفاده از هاب ارزی هنگ کنگ، یکن به منظور فراسرزمینی سازی یوان اقدام به نهادسازی پولی-بانکی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی کرد. چین هم‌زمان با مقررات‌زدایی از نرخ مبادله خود کرد و بدین منظور نیازمند ایجاد سازوکارهای آزادسازی جریان سرمایه بود. در این زمینه برنامه آزمایشی ایجاد منطقه آزاد تجاری شانگهای و سپس تبدیل شانگهای به یک مرکز مالی بین‌المللی در دستور کار قرار گرفت که البته در نهایت به موفقیت ختم نشد. در ادامه چین با ایجاد اصلاحات مالی عمیق‌تر، کوشید تا تبدیل‌پذیری یوان را بیش از پیش تقویت کند. در این راستا، آسه‌آن+۳، بانک بریکس، صندوق راه ابریشم و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی ایجاد شد. این نهادها در واقع سنگ بنای یک نظم مالی جدید را پایه‌ریزی کرده‌اند (Cao, 2018: Xi).

۲.۵. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش زیرساخت

همانند ایالات متحده، چین نیز در چارچوب دیپلماسی پولی، اقدام به ارائه ابتکارهای توسعه‌محور و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کرده است. همانند طرح مارشال که دولت آمریکا در کشورهای اروپایی پیاده ساخت و توانست جایگاه دلار را تثبیت کند، چین نیز با ابتکار کمربند-راه در حال پیگیری دیپلماسی پولی قدرتمند است. ذیل این راهبرد، چین در کشورهای مختلف، سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام داده است. در واقع راهبرد کمربند-راه تنها به تقویت تجارت و مالی در منطقه کمک نمی‌کند، بلکه حرکت و چرخه ارزی را نیز به راه می‌اندازد. در نمودار ذیل می‌توان سازوکار اثرگذاری ابتکار زیرساختی چین در تقویت جایگاه یوان را پیگیری کرد.

نمودار ۴- فرایند تأثیرگذاری ابتکار کمربند-راه بر ظهور قدرت مالی بین‌المللی چین



Source: Xia: 2017,676

همان‌طور که در نمودار بالا مشاهده می‌شود، قدرت مالی یوان وابسته به تجارت خارجی چین است. در واقع با افزایش تجارت خارجی چین، یوان این امکان را یافته که در خارج از مرزها به‌عنوان ذخیره مالی به کار گرفته شود. از سوی دیگر با سرمایه‌گذاری که در ابتکار کمربند-راه صورت می‌پذیرد، ذخایر ارزی یوان در خارج از کشور مجدداً به داخل چین باز می‌گردد. چرخه یوان به داخل و خارج از کشور منجر به بهبود چرخش یوان می‌شود. ابتکار کمربند-راه سبب شده تا این چرخه شتاب بیشتری بگیرد که در نتیجه به سطح بین‌المللی این ابتکار افزایش یافته و تسویه‌های حساب‌های مرتبط با آن نیز با عمق و شدت بیشتری دنبال شود. نکته مهمی که باید خاطر نشان ساخت، سرمایه‌گذاری مستقیم چین در خارج از کشور است که سبب شده ریسک نرخ ارز کاهش یابد.

در واقع سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در بخش زیرساخت سبب شده تجارت در داخل این ابتکار به ۲۴ درصد از کل تجارت جهانی این کشور برسد. با توجه به نیاز روزافزون کشورهای درگیر در این ابتکار به سرمایه گذاری چین، طبیعتاً نمی توان انتظار داشت که تمامی این حجم از سرمایه گذاری صرفاً با یک ارز صورت بگیرد. لذا تجارت خارجی هنگفت چین با این کشورها به طور خودکار سبب شده تا بخش قابل توجهی از سرمایه گذاری و تسویه مالی توسط یوآن صورت بگیرد. علاوه بر نیاز به سرمایه گذاری، مسئله نظام نرخ مبادله نیز تأثیر بسزایی در ارتقای نقش بین المللی یوآن در چارچوب این ابتکار داشته است. همانطور که در بخش نظری ارائه شد، مقدمه تبدیل شدن پول یک کشور به ارز بین المللی، ثبات ارزش مورد انتظار در حال و آینده است تا مردم بتوانند درک پایداری از ارز به دست بیاورند.

همچنین تبدیل ارز یک کشور به ابزار پرداخت تسویه تجاری یا تحقق عملکرد سرمایه گذاری آن در حساب سرمایه، نیازمند یک نرخ ثابت است. در حال حاضر به دلیل نوسانات یوآن، این ارز نمی تواند در بلندمدت اعتماد مردم را جلب کند. لذا ثبات نرخ مبادله یوآن شرط پیروزی آن در مقابل دیگر ارزها است (Xia, 2018: 675). چین در دیپلماسی ارزی خود به این مهم واقف بوده است. بر اساس آمارهایی که وزارت بازرگانی چین ارائه داده، بنگاه‌هایی چینی ۲۶۷۷ پروژه را با ۶۰ کشور جهان در چارچوب کمربند-راه امضا کرده که ارزش آن بالغ بر ۶۴/۵۵ میلیارد دلار بوده است (Lai, Guo, 2017: 299). مشارکت چین در این پروژه‌ها یا در قالب سرمایه گذاری بوده یا در زمینه ساخت و ساز صورت می پذیرد. در سال ۲۰۲۳ سهم بخش سرمایه گذاری نسبت به ساخت و ساز با رشد چشمگیری همراه بوده که به بالاترین میزان طی دو دهه گذشته رسید، به گونه‌ایی که سهم آن از ۲۹ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۵۲ درصد در سال ۲۰۲۳ رسید (Nedopil, 2024: 2). در نمودار زیر می توان نسبت میان سرمایه گذاری و ساخت را مشاهده کرد.

نمودار ۵- نسبت میان سرمایه گذاری و ساخت چین در ابتکار کمربند-راه



Source: © 2023 GAI and GFDC (Data AEI and others).

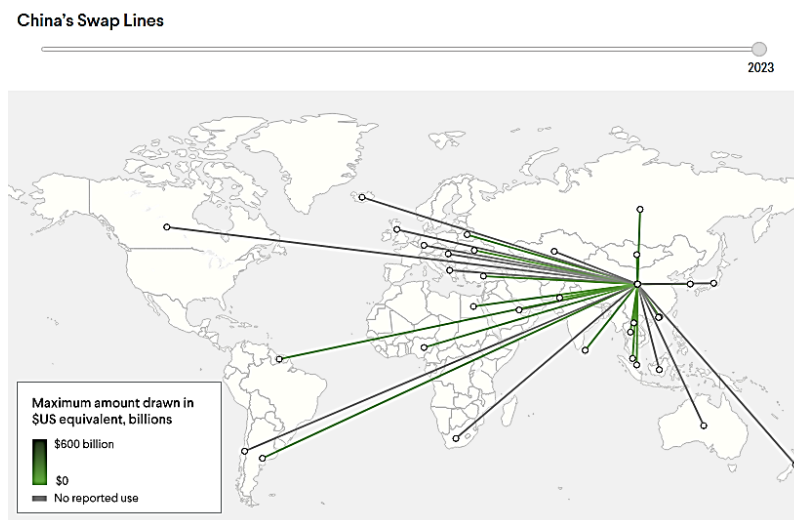
Source: Nedopil, 2024: 3

همانطور که در بالا یاد شد، نسبت به سرمایه‌گذاری چین به ساخت در ابتکار کمربند-راه بیشتر شده که این مهم نشان‌دهنده افزایش ثبات نرخ مبادله چین با دیگر ارزها است. در نتیجه مطالعاتی که در زمینه ارزهای پرکاربرد در این پروژه صورت گرفته آشکار شد که رابطه همبستگی میان ارزها در بین کشورهایی که در امتداد این ابتکار قرار دارند، به تدریج قوی‌تر می‌شود. به این معنا که یوآنی که در شبکه ارزی ابتکار کمربند-راه به دلار امریکا قیمت‌گذاری شده، ثبات بیشتری نسبت به یوآنی که در داخل امریکا بر اساس رژیم شناور مبادله‌ای قیمت‌گذاری می‌شود دارد (Lai, 2017:2). در واقع چین توانسته با سرمایه‌گذاری هنگفتی که در این پروژه انجام داده، ثبات نرخ ارز خود را نسبت به گذشته در برابر دلار تقویت کند و از نوسان کمتری نسبت به گذشته برخوردار شود. با بررسی‌هایی که در سایر بخش‌ها آمده، می‌توان تأثیر چشمگیر این پروژه بر موقعیت بین‌المللی یوآن را مشاهده کرد.

۳.۵. پیمان‌های دوجانبه سوآپ پولی

عامل دیگر رشد قدرت پولی چین، انعقاد قراردادهای سوآپ ارزی دوجانبه بود. از سال ۲۰۰۸ بانک خلق چین با بیش از ۳۰ نهاد و بانک مرکزی جهان اعم از اقتصادهای در حال توسعه و توسعه‌یافته توافقاتی را به امضا رساند که سبب شد تجارت، سرمایه‌گذاری و عرضه یوآن در نظام مالی جهانی تضمین شود (Yikang, 2021: 3). تحلیل‌ها نشان می‌دهد دو عامل وابستگی تجاری به چین و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور مهم‌ترین دلایلی هستند که سبب شده دیپلماسی ارزی دوجانبه چین با دیگر کشورها رشد چشمگیری داشته باشد. باید خاطر نشان ساخت که محرك اصلی در سوآپ دوجانبه بیشتر از سمت تقاضا بوده است. بانک مرکزی چین با این دیپلماسی ارزی توانسته تلاش‌ها برای آزادسازی نرخ مبادله یوآن که عمدتاً از سوی ایالات متحده دنبال می‌شود را به میزان قابل توجهی خنثی کند. این تلاش‌ها کاملاً با هدف کاهش قدرت رقابت‌پذیری شرکت‌های چینی انجام می‌شود (Liao, McDowell, 2015: 29-30). در تصویر زیر، شبکه قراردادهای دوجانبه چین در سال ۲۰۲۳ قابل مشاهده است؛

تصویر ۱- نقشه قراردادهای سوآپ ارزی چین در سال ۲۰۲۳



Source: Steil and others, 2024

بانک مرکزی چین با این اقدام، ضمن تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، امکان پرداخت وام به کشورهای متقاضی را بیش از پیش فراهم ساخته است. آرژانتین نمونه بارزی از این مورد است. بانک مرکزی این کشور از سال ۲۰۱۴ وارد شبکه پولی یوان شد. در حالی که آرژانتین در پرداخت بدهی‌ها خود با مشکل و در واردات کالا با کمبودهای جدی مواجه شده بود با دریافت وام از چین توانست بخش قابل توجهی از چالش‌های پولی خود را جبران کند. در سال ۲۰۲۳، آرژانتین بار دیگر برای جلوگیری از عدم پرداخت بدهی به صندوق بین‌المللی پول، خط مبادله خود با چین را آغاز کرد (Steil and others, 2024). این مهم در واقع تکمیل دهنده دیگر اقدامات دیپلماسی ارزی چین برای تبدیل شدن به ارز مسلط جهانی است.

۴.۵. مدیریت نرخ مبادله

عملکرد موفق چین در دوره کووید ۱۹ در واقع مرهون دیپلماسی ارزی این کشور بود. در حالی که در این مقطع، اقتصاد جهانی به شدت دچار بی‌ثباتی شد، یوان توانست قدرت خود را به سه دلیل حفظ کند. ۱. اقتصاد چین بسیار تاب‌آور است. طی دوره کرونا، نه تنها اقتصاد چین دچار رکود نشد، بلکه تجارت خارجی و اقتصاد این کشور رشد مثبت را تجربه کرد. علت دوم، ثبات بالایی ارزش یوان بود. در حالی که بازارهای مالی بین‌المللی به شدت دچار بی‌ثباتی شد و اکثر بانک‌های مرکزی کشورهای بزرگ دنیا، رو به سیاست‌های پولی بسیار سست آوردند و عملیات ضد چرخه‌ای نامتعارفی را انجام دادند، اما نرخ مبادله یوان ثابت باقی ماند (Stiglitz, Rodrik, 2024: 4).

روند نرخ ارز نشان می‌دهد که همزمان با شیوع کووید ۱۹ در چین، حساسیت بازار ارز باعث افزایش بر نرخ ارز شد و ارزش یوان در برابر دلار بشدت کاهش یافت. همزمان ارزش دلار آمریکا در مارس ۲۰۲۰ رشد چشمگیری از خود به نمایش گذاشت که سبب فشار بر سایر ارزهای بین‌المللی شد. اما با اقدامات مؤثری که چین در زمینه پیشگیری و کنترل بیماری انجام داد، سرمایه‌گذاران حجم زیادی از اوراق قرضه یوان را برای گریز از ریسک انجام دادند که همین عامل به تقویت یوان در برابر دلار کمک چشمگیری گرد. نمودار زیر این روند را نشان می‌دهد (Fang, Cao, 2021: 2).

نمودار ۶- روند ثبات یوان در برابر دلار آمریکا

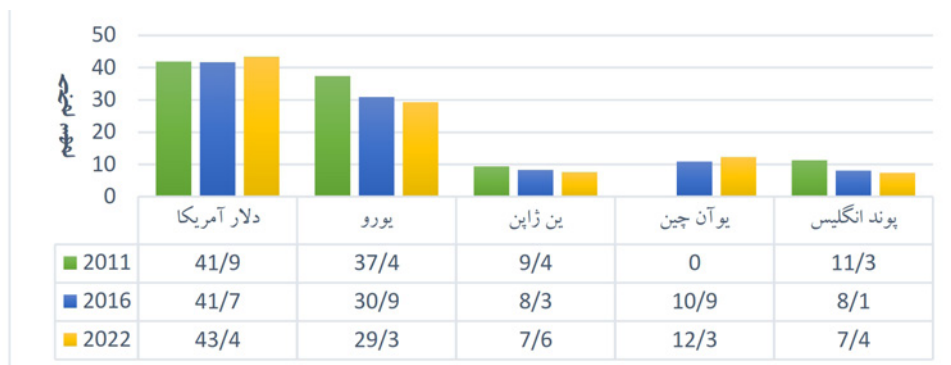


Source: Fang, Cao, 2021:2

این موفقیت ریشه در تغییراتی بود که بانک مرکزی این کشور در زمینه نرخ مبادله انجام داد. دیپلماسی ارزی چین نسبت به مداخله در نرخ مبادله نیز از مهارت بالایی برخوردار است. با اینکه ممکن است، چین در تغییراتی که در نرخ مبادله صورت می‌دهد، به دنبال فقیرسازی همسایگان خود نباشد، اما عملاً این سیاست در نتیجه کاهش نرخ مبادله یوان منجر به از بین رفتن قدرت صادرات در مقایسه با چین می‌شود (Stiglitz, Rodrik, 2024: 4). بنابراین باید خاطرنشان ساخت که چین در دیپلماسی ارزی خود تأکید ویژه‌ای بر سیاست‌های نرخ بهره دارد. برای مثال هنگامی که در سال ۲۰۱۵ نرخ مبادله یوان در مقابل دلار آمریکا ۳ درصد و در سال ۲۰۱۶، ۱ درصد کاهش یافت، تأثیر مالی بسزایی بر بازارهای مالی جهان برجای گذاشت. تنها در ایالات متحده پس از کاهش ۳ درصدی ارزش یوان در برابر دلار، شاخص اس‌اند‌پی ۵۰۰ آمریکا در یک هفته ۳ درصد و طی یک ماه ۷ درصد کاهش داشت.

این پیامدهای منفی در تمامی کشورها از جمله آلمان و به‌ویژه در خود چین نیز احساس شد. به دنبال رویدادهای این سال‌ها، صندوق بین‌المللی پول، یوان چین را در سبد برداشت ویژه قرار داد که هدف از آن آزادسازی استفاده از یوان در میان مشترکین بازار جهانی بود. این مهم کمک بزرگی به چین کرد تا بتواند سهم بیشتری در بازارهای مالی جهان به دست آورد (Melvin, Westermann, 2021: 146). همان‌طور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، سهم یوان چین در مقایسه با دیگر ارزهای بین‌المللی در سبد برداشت ویژه صندوق بین‌المللی پول، روند روبه‌افزایش را طی کرده است. این مهم از نگاه تحلیلگران پولی و بانکی، پیروزی بزرگی برای دیپلماسی ارزی چین به شمار آمده و سهم این ارز را بیش از پیش در بازارهای مالی جهان گسترش خواهد داد (Hongpei, 2022).

نمودار ۷- سهم ارزها در صندوق حق برداشت ویژه صندوق بین‌المللی پول



Source: IMF 2022

همان‌طور که در نمودار بالا مشاهده می‌شود، هم‌زمان با افزایش سهم یوان در سبد برداشت ویژه، سهم دیگر ارزها همچون پوند، ین و یورو کاهش یافته است. ریشه این موفقیت دیپلماسی ارزی چین را باید در استراتژی صادراتی این کشور جستجو کرد. اصولاً سهم ارزها در سبد حق برداشت بر اساس دو مؤلفه سهولت در استفاده و حجم صادرات مشخص می‌شود. چین با اقداماتی که در دوره

شیوع کووید ۱۹ انجام داد، توانست برای نخستین بار ۶ تریلیون دلار صادرات را در سال ۲۰۲۱ انجام دهد که به نوعی نقش یک ثبات‌بخش را در بازارهای جهانی ایفا کرد (Hongpei, 2022).

۵.۵. صادرات سرمایه

در چارچوب این ابتکار، چین وام‌های سنگین با نرخ بهره بالاتر از بانک جهانی و دیگر نهادهای مالی بین‌المللی ارائه می‌دهد که در نهایت منجر به تصاحب دارایی، افزایش نفوذ مالی در کشور هدف یا حتی تأسیس پایگاه نظامی می‌شود. اما چین با ارائه این وام‌ها در واقع در حال تضعیف قدرت صندوق بین‌المللی پول و نهادهای مالی غربی در نظم پولی بین‌المللی است. در واقع از آنجا که بخش مهمی از قدرت صندوق وابسته به مدیریت هزینه‌های عمومی در کشورهایی همچون کنگو است، چین با ارائه وام‌های سنگین در واقع دست صندوق را از مدیریت مالی این کشورها کوتاه کرده است. در حالی که صندوق بین‌المللی پول وام‌های با هزینه پایین‌تر را برای کشورهایی کم‌درآمد آفریقایی پیش‌بینی کرده، اما چینی‌ها معتقدند کشورهای آفریقایی هم می‌توانند با تعقیب سیاست‌های تجاری همچون واگذاری منابع طبیعی، وام‌های کلان و بلندمدتی را دریافت کنند. اقدامی که سبب شده به‌طور کلی پویای پولی در قاره آفریقا دستخوش تغییر شود (Malm, 2016: 13).

در واقع چین با دیپلماسی ارزی خود در حال به چالش کشیدن نهادهای پولی امریکایی است. معمولاً اقدام به تصاحب دارایی در مورد کشورهایی صورت می‌پذیرد که یا دارای کالای اساسی مابه ازای وام نیستند یا اینکه نمی‌توانند از دیگر کشورها وام و کمک خارجی دریافت کنند. برای نمونه تاجیکستان در نتیجه وام‌های سنگین چین مجبور شد تا ۱/۵۰۰ کیلومتر از زمین‌های زراعی خود را به دولت چین واگذار کند که به حضور هزاران نفر اتباع چینی در این کشور منجر شد (Roy, 2021). در این زمینه می‌توان به تلاش‌هایی این کشور در ارائه وام به کشورهای امریکایی لاتین اشاره کرد. چین برای اینکه بتواند دیپلماسی ارزی خود را در این منطقه به‌خوبی پیاده کند، در ابتدا به‌وضوح اعلان کرد که قصد دخالت در امور داخلی این کشورها را ندارد، بلکه روابط خود با این کشورها را در چارچوب «همبستگی جنوب-جنوب» قرار داده است.

این دقیقاً همانند اقداماتی است که ایالات متحده در قرن بیستم و قبل از آن انگلیس در قرن نوزدهم انجام می‌دادند. بسیاری بر این باورند که روابط اقتصادی و سیاسی چین تبدیل به نفوذ و اهرم قدرت آن علیه این کشورها خواهد شد. از آنجا که پکن از اهرم قوی تجاری در این منطقه برخوردار نیست، دیپلماسی ارزی خود را مبتنی بر کمک‌های مالی برای توسعه قرار داده است. در این راستا، کمک مالی به فقیرترین و ضعیف‌ترین کشورهای این منطقه به‌صورت جدی از سوی چین دنبال شده است (Trinkunas, 2016: 7-8).

همانند اقداماتی که ایالات متحده در پیشبرد سیاست مالی خود در آسیا انجام داد. وام‌هایی که چین در امریکایی لاتین به دولت‌های ضعیف پرداخت می‌کند، عموماً متکی به نفت هستند. در واقع چین در ازای پرداخت وام به این کشورها، دسترسی خود به منابع نفتی این کشورها را تسهیل

می‌کند. لذا برخی معتقدند، یکی از ویژگی‌های دیپلماسی ارزی چین، تسخیر منابع طبیعی کشورهای ضعیف است. لذا پژوهشگران معتقدند نیمی از وام‌های پرداختی چین به کشورهای امریکایی لاتین متکی به نفت هستند که از آن جمله می‌توان به وام‌های داده شده به ونزوئلا و اکوادور اشاره کرد (Tao, 2023: 4)

چین با هوشمندی، دیپلماسی ارزی خود را مبتنی بر چارچوب‌های رسمی قرار نداده است. لذا هنگامی که بر اساس معیارهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، کمک‌های خارجی چین به این کشور ارزیابی می‌شود، رقم بسیار پایینی به دست می‌آید. اما چین دیپلماسی ارزی خود را خارج از چارچوب رسمی قرار می‌دهد. لذا با احتساب جریان‌های پولی متفرقه، کمک‌های مالی چین به این کشورها بسیار بالا خواهد بود. بر اساس گزارشی که شورای ملی چین در سال ۲۰۱۱ منتشر کرده، این کشور ۲۵۶ میلیارد کمک خارجی داشته است که ۱۲/۷ درصد آن به کشورهای امریکایی لاتین اختصاص داشته است. در حالی که برخی از این وام‌ها به صورت بازپرداخت با سود مشخص داده شده، اما بخش عمده و اعظم آن در چارچوب روابط تجاری صورت گرفته است. همین امر نشان می‌دهد که چین کمک‌های مالی خود را برای پیوند هرچه بیشتر و ایجاد وابستگی تجاری و اقتصادی به این کشورها ارائه می‌دهد (Trinkunas, 2016: 9).

با این حال هیچ منطقه‌ای دیگری همانند غرب آفریقا، در سلطه دیپلماسی ارزی چین قرار نگرفته است. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، کشورهای این منطقه نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار در قالب وام و سرمایه‌گذاری از چین کمک دریافت کرده‌اند. چین بزرگ‌ترین کشور وام‌دهنده دوجانبه به بسیاری از کشورهای آفریقایی است. به عنوان مثال، بدهی کنیا به ۶/۳ میلیارد دلار، انگولا ۴۰ میلیارد دلار، جیبوتی ۱/۴ میلیارد دلار، نیجریه ۴/۲ میلیارد دلار و غنا ۲ میلیارد دلار می‌رسد. بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰، نیجریه بیشترین سهم از سرمایه‌گذاری خارجی چین را دریافت کرده که ۱۷ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آن در جهان است (Gupta, 2023: 3). همانند امریکایی لاتین، چین در این کشورها نیز وام در ازای منابع طبیعی را دنبال می‌کند. با این تفاوت که در این کشورها علاوه بر نفت، کاکائو و دیگر کالاهای اساسی را نیز در پرداخت وام محاسبه شده است. چین با این اقدام، تلاش می‌کند ضمن تأمین نیازهای اساسی خود، به مرور در توسعه زیرساخت‌های اقتصادی این کشورها نیز نفوذ کند (Tao, 2023: 4).

از سوی دیگر در کشورهایی همچون تاجیکستان که اکنون شرایط «زندگی در بدهی» را تجربه می‌کنند، میزان وابستگی به سرمایه چین به اندازه‌ای است که بخشی از خاک این کشور به طور کامل در اختیار چین قرار گرفته و این کشور در استان‌هایی همچون بدخشان روی به تأسیس پایگاه نظامی آورده است (Dzamukashvili, 2022). این ابزارها نشان می‌دهد که پکن در حال تقویت قدرت نظامی و سیاسی خود با کمک دیپلماسی ارزی است.

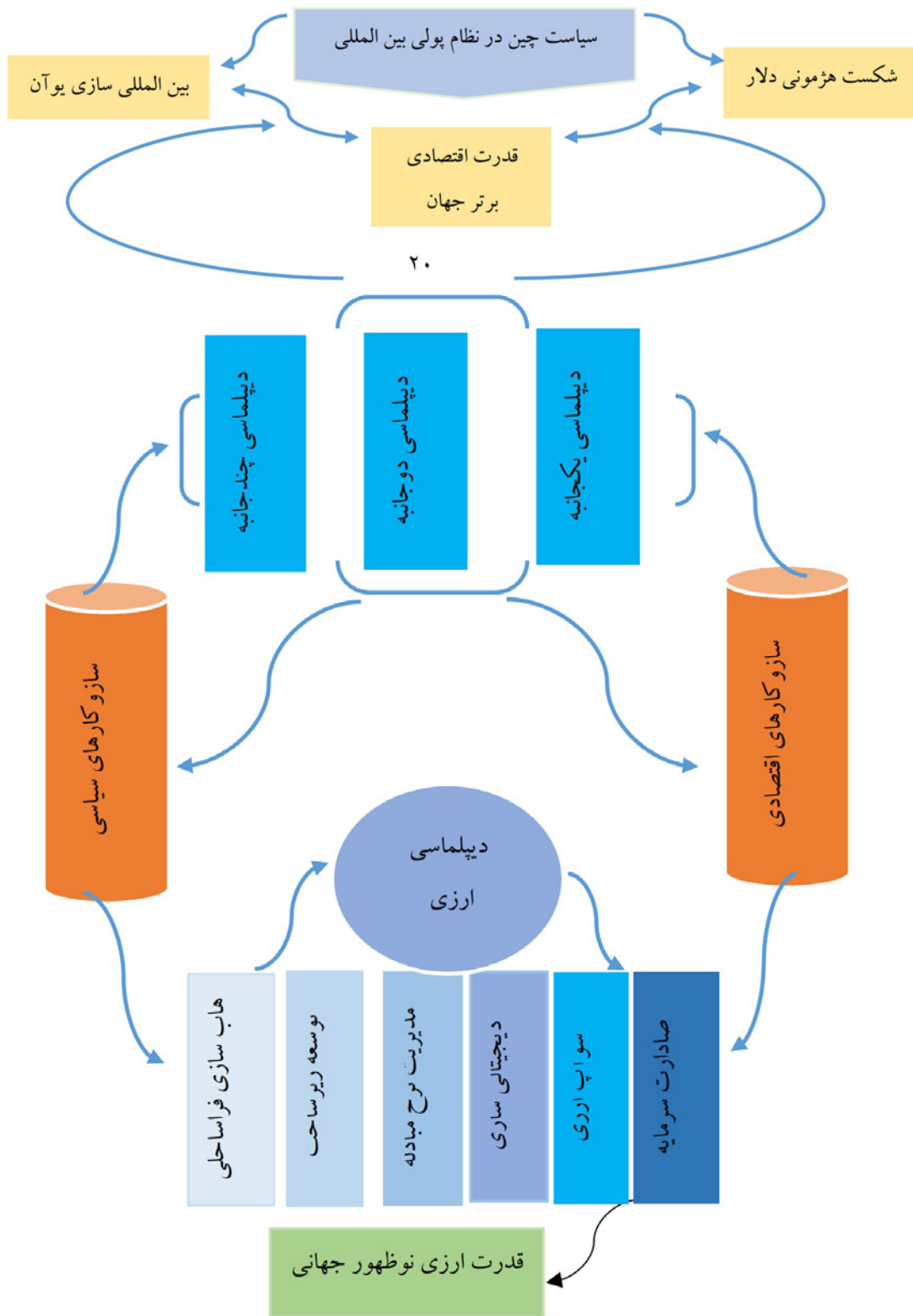
۶.۵. دیجیتال سازی یوان

چین از سال ۲۰۱۴ در حال تلاش برای ایجاد یوان دیجیتال بوده و در سال ۲۰۱۶ با موفقیت توانست نمونه دیجیتال ارز خود را معرفی کند. این تلاش‌ها، چین را به کشور پیشرو در دیجیتال‌سازی ارزهای بین‌المللی و ایجاد بانک مرکزی دیجیتال تبدیل کرده است (Bansal, Singh, 2021: 4). بر این اساس، چین زیرساخت‌ها و فناوری‌هایی را ایجاد کرده که امکان استفاده از بلاک چین به‌جای سازوکارهای رسمی بانکداری جهانی را فراهم ساخته است. هدف اصلی پکن از بانکداری مرکزی دیجیتال در واقع گسترش نقش بین‌المللی یوان و کمک به کشورهای ثالث برای دور زدن تحریم‌های غربی است. در واقع چین در ادامه تلاش‌ها برای تضعیف نظم نوین مالی جهان که در بالا بدان اشاره شد، با راه‌اندازی یوان دیجیتال در حال تضعیف نظام مالی دلارمحور است (Hilpert, 2024: 35). یوان دیجیتال به‌خصوص در میان کشورهایی که روابط اقتصادی و مالی نزدیکی با چین در ابتکار کمربند-راه دارند، کاربرد گسترده‌ای دارد. چین با کمک این ابزار دیجیتال ضمن اینکه خود را به‌عنوان جایگزین دلار در میان این کشورها معرفی می‌کند، نفوذ و کنترل خود بر کشورهای که دارای روابط اقتصادی نزدیک با این کشور هستند را بیش‌ازپیش گسترش می‌دهد (Taylor, 2023).

دو عامل کلیدی در موفقیت دیجیتال‌سازی یوان نقش داشته‌اند که شامل ابتکار کمربند راه و هاب‌سازی فراسرزمینی بوده که چین در هنگ کنگ و دیگر کشورها ایجاد کرده است. هنگ کنگ در ابتکاری، پل ارزی چندجانبه دیجیتال که از آن تعبیر به ام-بریج می‌شود، را راه‌اندازی کرده است. بر اساس این طرح، چین، هنگ کنگ، تایلند، امارات و بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی با استفاده از این ابتکار، توانستند در سال ۲۰۲۲، نزدیک به ۱۷۱ میلیون دلار هنگ کنگ را بر پل ارزی چندجانبه انتقال دهند. همچنین چینی‌ها در ابتکار کمربند-راه نیز فرصت‌های چشمگیری برای ترویج یوان دیجیتال ایجاد کردند. از آنجا که بسیاری از کشورهای جنوب جهانی فاقد زیرساخت‌های مالی برای تطبیق با دلار هستند، بنابراین نقل و انتقالات پیچیده و پرهزینه خواهد بود.

از این رو، چین اگر بخواهد یوان دیجیتال را در جاده ابریشم جدید که مکمل ابتکار کمربند-راه است و در قالب آن فناوری‌های خود را به کشورهای که به دنبال جهش هستند صادر می‌کند مورد استفاده قرار دهد، کشورهایی دریافت‌کننده وام می‌توانند از این فرصت استفاده کنند تا با کاهش اتکا به دلار، یوان دیجیتال را جایگزین کنند (Elston, 2023: 2). در عین حال می‌توان در پژوهش‌های آتی به نقش و ارتباط میان جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی ارزی چین نیز اشاره کرد. در نمودار ذیل، می‌توان ارتباط میان سیاست چین در نظام پولی بین‌المللی و دیپلماسی ارزی این کشور را مشاهده می‌شود. در حالی که چین می‌کوشد هژمونی دلار را بشکند، با اتخاذ رویکردهای مختلف در دیپلماسی ارزی، یوان را از یک ارز بی‌طرف به یک ارز در حال تسلط تبدیل کرده است. طیف گوناگونی از ابزارها در دیپلماسی چینی به خدمت گرفته شده و در نهایت توانسته قدرت ارزی خود را بیش‌ازپیش افزایش دهد.

نمودار ۸- دیپلماسی ارزی چین



نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد که چین از سازوکارهای مختلف سیاسی و اقتصادی برای ارتقای قدرت مالی بین‌المللی خود استفاده می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد دو ابتکار هاب‌سازی فراساحلی و همچنین کمربند-راه نقش کلیدی در زمینه ایفا کرده‌اند. چین توانست طی یک دهه دیپلماسی ارزی، سهم و جایگاه خود را در صندوق برداشت ویژه صندوق بین‌المللی پول تثبیت کند. از سوی دیگر، این کشور با اعمال سیاست‌های مالی بر کشورهای فقیر، به نوعی آن‌ها را در تله بدهی خویش قرار داده و قدرت سیاسی و نظامی خود را بیش از پیش افزایش داده است. جمهوری اسلامی ایران نیز که در مسیر ابتکار کمربند-راه قرار دارد، باید نسبت به هرگونه انعقاد پیمان‌های پولی با چین احتیاط لازم را داشته باشد و به‌طور کلی پیشنهاد می‌شود که بهتر از چارچوب پیمان‌های پولی منطقه‌ای در مقابل پیمان‌های دوجانبه با چین وارد تعامل شود.

References

- Bansal Rajesh , Singh, Somya (2021), China's Digital Yuan: An Alternative to the Dollar-Dominated Financial System, Carnegie Endowment for International Peace, https://carnegie-production-assets.s3.amazonaws.com/static/files/202108-Bansal_Singh_-_Chinas_Digital_Yuan.pdf
- Boughton, James M. (2012), The Death of Central Planning and the Birth of Markets, international Monetary Fund DOI: <https://doi.org/10.5089/9781616350840.071>
- Brown, Brendan (2006), Currency Diplomacy, at What Drives Global Capital Flows? Myth, Speculation, and Currency Diplomacy, London: Palgrave Macmillan
- Buchholz, Katharina (2022), The Link Between Soaring Food Prices and Political Instability, <https://www.statista.com/chart/27110/food-prices-political-instability/>
- Cao, Yuanzheng (2018), Strategies for Internationalizing the Renminbi, Social Sciences Academic Press and Springer Nature Singapore
- Chey, Hyoung-kyu (2012), Theories of International Currencies and the Future of the World Monetary Order, International Studies Review, Vol. 14, No. 1
- Cohen, Benjamin (2008), The International Monetary System: Diffusion and Ambiguity, international Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944-)Vol. 84, No. 3
- Cooper, Richard N. (1968), The economics of interdependence, Thunderbird, Vol 10, Issue 4
- Dongsheng, Di (2020), The Economics and Politics of China's Currency Internationalization, global Asia Vol. 15, No. 2
- Dzumukashvili, Soso (2022), Tajikistan's costly Chinese Loans: when sovereignty becomes a currency, [Tajikistan's Costly Chinese Loans: When Sovereignty Becomes a Currency – gfsis.org](https://www.gfsis.org)
- Elston, Thai-Binh (2023), China Is Doubling Down on its Digital Currency, <https://www.fpri.org/article/2023/06/china-is-doubling-down-on-its-digital-currency/>
- Fang, X., & Cao, W. (2021), The Impact of COVID-19 on the Status of RMB as an Anchor Currency. Asian Economics Letters, 2(1).
- Fang, X., & Cao, W. (2021), The Impact of COVID-19 on the Status of RMB as an Anchor Currency. Asian Economics Letters, 2(1). <https://doi.org/10.46557/001c.21439>
- Frankel, Jeffrey (2012) Internationalization of the RMB and Historical Precedents, The

- Journal of Economic Integration, 27(3) :329-365.
- Gupta Prithvi (2023), Debt Diplomacy in Action: An Overview of China's Loans and Investments in West Africa, ORF Issue Brief No. 662, Observer Research Foundation
 - Haderiansyah, Haderiansyah, Habibah, Margar, Setiawaneta, Andri, Akbar Hayat Muza-hid (2020), Policy of China's Debt-Trap Diplomacy: The Influence Of Media In Form-ing Community Political Opinions, DIA Jurnal Ilmiah Administrasi Publik 18(2):170-178, DOI:10.30996/dia.v18i2.4410
 - Helleiner, Eric (2008), The Status Quo Crisis: Global Financial Governance After the 2008 Meltdown, online edn, Oxford Academic
 - Hilpert, Hanns Günther (2024), China's Currency Campaign the Challenge of International-ization and Digitalisation of the Renminbi, German Institute for International and Security, Research Paper 7
 - Hongpei, Zhang (2022), IMF lifts yuan's weight in SDR basket in major win for China's currency, economy, <https://www.globaltimes.cn/page/202205/1265634.shtml>
 - Hudson, Michael (2010), Dollar Hegemony and the Rise of China. Disponivel: <http://michael-hudson.com/2010/07/dollar-hegemony-and-the-rise-of-china>
 - Huntsman (2015), Jon M. How China's Currency Impacts Global Markets, Foreign Policy, and Transatlantic Financial Regulation, The Atlantic Council of the United States
 - Jiang, Yang (2014), The Limits of China's Monetary Diplomacy, in the The Great Wall of Money : Power and Politics in China's International Monetary Relations, by Jonathan Kirsh-ner , US :Cornell University Press, 2014
 - Joudar, Fadoua, Dinar, Brahim (2022), Toward Understanding Financial diplomacy: The Case of Morocco, International Journal of Accounting, Finance, Auditing, Management and Economics, Volume 3, Issue 3-1
 - L. Lai, K. Guo (2017), The performance of One Belt and One Road exchange rate: Based on improved singular spectrum analysis, Physica A, <http://dx.doi.org/10.1016/j.physa.2017.04.108>
 - Liao, Steven, McDowell, Daniel (2015), Redback Rising: China's Bilateral Swap Agree-ments and Renminbi Internationalization, International Studies Quarterly, Volume 59, Issue 3, at <https://doi.org/10.1111/isqu.12161>
 - Maddern, Stacy Warner (2020), Dollar Diplomacy: Roosevelt to Taft 1890–1913, in I. Ness, Z. Cope (eds.), The Palgrave Encyclopedia of Imperialism and Anti-Imperialism, https://doi.org/10.1007/978-3-319-91206-6_303-1
 - Malm. Johanna (2016), How does China challenge the IMF's power in Africa?, https://eba.se/wp-content/uploads/2016/12/DDB_2016_9_Malm_webb.pdf
 - Melvin ,Michael, Westermann, Frank (2021), Chinese Exchange Rate Policy: Lessons For Global Investors, *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 54, No. 1
 - Miguel, Felix (2023), the Global Supremacy of the US Dollar: A journey to Becoming the world market Currency,
 - Muhumed, Muhumed Mohamed, Gaas, Sayid Aden (2016), The World Bank and IMF in Developing Countries: Helping or Hindering?, International Journal of African and Asian Studies, Vol.28,
 - Nedopil, Christoph (2024), China Belt and Road Initiative (BRI) Investment Report 2023, Griffith Asia Institute, Griffith University (Brisbane) and Green Finance & Development Center, FISF Fudan University (Shanghai), DOI: 10.25904/1912/5140

- Roy, Torunika (2021), BRI and China's Debt Trap Diplomacy: A Case Study of Sino-Tajik Relations, [BRI and China's Debt Trap Diplomacy: A Case Study of Sino-Tajik Relations - Red Lantern Analytica](#)
- Schrimpf, Andreas, Sushko, Vladyslav (2019), Sizing up global foreign exchange markets, Sizing up global foreign exchange markets, BIS Quarterly Review at https://www.bis.org/publ/qtrpdf/r_qt1912f.pdf
- Selmier, W. (2017), The Power and International Politics of Money. *Oxford Research Encyclopedia of International Studies*. Retrieved ۳ Oct. ۲۰۲۴, from
- Sglitz و Joseph E, Rodrik, Dani (2024) Rethinking Global Governance: cooperation in a World of Power, https://drodrik.scholar.harvard.edu/sites/scholar.harvard.edu/files/dani-rodrik/files/rethinking_global_governance_03132024.pdf
- Steil, Benn, Della, Benjamin Rocca, and Dinah Walker(2024) Central Bank Currency Swaps Tracker,<https://www.cfr.org/article/central-bank-currency-swaps-tracker>
- Stiglitz, Joseph E Rodrik, Dani (2024), Rethinking Global Governance: Cooperation in a World of Power, at https://business.columbia.edu/sites/default/files-efs/imce-uploads/Joseph_Stiglitz/rethinking_global_governance_03132024%20Stiglitz%20Rodrik.pdf
- Strange, Susan (1971), The Politics of International Currencies, *World Politics*, Vol. 23, No. 2
- Tao, Alain (2023), Beyond the Narrative of China's Debt Trap Diplomacy, <https://www.e-ir.info/2023/08/02/beyond-the-narrative-of-chinas-debt-trap-diplomacy/>
- Taylor, Monique (2023), The Digital Yuan: Purpose, Progress, and Politics, <https://madeinchinajournal.com/2023/11/27/the-digital-yuan-purpose-progress-and-politics/>
- Thackers, Storm (1999), The High Politics of IMF Lending, *World Politics* 52
- Trinkunas, Harold (2016), Renminbi Diplomacy? The Limits of China's Influence on Latin America's Domestic Politics, Brookings Institution
- Woods, Ngaire (2003), The United States and the International Financial Institutions: Power and Influence Within the World Bank and IMF
- Xia, S.Q. (2018), Path Selection of Renminbi (RMB) Internationalization under "The Belt and Road" (B & R) Initiative. *American Journal of Industrial and Business Management* 8, 667-685. <https://doi.org/10.4236/ajibm.2018.83045>
- Yikang, Zhou (2021), The Impact of RMB Internationalization on China's Import and Export Trade, In Partial Fulfillment of the Requirements for the Bachelor of Science in Finance, https://wkuwire.org/bitstream/20.500.12540/757/1/wku_etd001_cbpm01_000659.pdf